

خرده‌استراتژی وحدت در اندیشه مقام معظم رهبری

عباسعلی نظر نوکنده^۱

مرتضی خرمی^۲

چکیده

دستیابی به اهداف کلی انقلاب و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن نوین اسلامی، به تدوین استراتژی کلان نیاز دارد. اما برای رسیدن به آن اهداف کلان، تحقق برخی اهداف میانی - که با نوعی همگرایی، راه رسیدن به آن اهداف کلی را هموار می‌سازند - اجتناب‌ناپذیر است. وحدت اسلامی و تقریب مذاهب یکی از این اهداف میانی است که دستیابی به آن، به تدوین خرده‌استراتژی دارد.

مقاله حاضر که با هدف ارائه یک مدل مفهومی از خرده‌استراتژی وحدت و به روش تحلیلی - توصیفی نگاشته شده است، می‌کوشد ضمن نشان‌دادن اهمیت مقوله وحدت اسلامی و بیان مفهوم کاربردی آن، استراتژی دستیابی به آن را از منظر مقام معظم رهبری مورد بررسی و تحلیل آکادمیک قرار دهد. یافته‌های تحقیق که با تحلیل بیانات معظم له به دست آمده است، نشان می‌دهد که رویکرد ایشان به مقوله وحدت، رویکرد فرآیندی و سیستمی بوده و وحدت یک ابزار یا تاکتیک موقت برای دستیابی به اهداف سیاسی و یک شعار فاقد پشتوانه علمی نیست؛ بلکه از نظر ایشان، وحدت یک خرده‌استراتژی است که می‌توان با بهره‌گیری از دانش مدیریت استراتژیک، چشم‌اندازی روشن برای آن ترسیم و با ارزیابی محیط داخلی و خارجی و در نظر گرفتن تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی امت اسلامی، اولویت‌های راهبردی دستیابی به آن را مشخص نمود.

واژگان کلیدی

مقام معظم رهبری، وحدت اسلامی، خرده‌استراتژی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: m.kh49@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۵

طرح مسأله

قرآن کریم مسلمانان را به اتحاد و الفت با یکدیگر دعوت نموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را به حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه سفارش می‌کند: «ای مردم با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است و هرگز متفرق نشوید» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۶/۱). و امیرالمؤمنین علیه السلام برای تقویت این امر در بین امت پیامبر صلی الله علیه و آله، بسیار تلاش نموده و خود را مشتاق‌ترین شخص به وحدت و پیشتاز در این زمینه به شمار می‌آورد. (نهج البلاغه، خطبه)

عالمان دینی در تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام به عنوان حامیان دین و شریعت، همواره در گفتمان تقریب مذاهب اسلامی پیشگام بوده و تلاش‌های چشمگیری در این راستا مبذول داشته‌اند. آیت‌الله‌العظمی بروجردی از این عالمان است که به واسطه تلاش‌های بی‌وقفه در جهت تقریب مذاهب، باید او را از پیشگامان و بنیان‌گذاران گفتمان تقریب دانست.

وحدت امت اسلامی یکی از دغدغه‌های جدی امام خمینی (ره) بود، چنانکه فرمود: «قرآن کریم که [به] ما دستور داده و به مسلمین دستور وحدت داده، برای یک سال و ده سال و صد سال نیست، برای سرتاسر عالم است در سرتاسر تاریخ. و ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم ... و نگه داریم این وحدت را. ما الآن هم در بین راه هستیم و باید این وحدت را حفظ کنیم. و من امیدوارم که با برکت وحدت ملت ایران، این وحدت در سایر کشورهای اسلامی هم پیدا بشود که دارد پیدا می‌شود، و همه مسلمین دست واحد بشوند بر اعدا» (سخنرانی ۹ آذر ۱۳۶۴)

در سال‌های اخیر که به واسطه دسیسه‌های پیدا و پنهان قدرت‌های استکباری و دست‌نشانده‌های آنان و تعصب و جمود فکری برخی گروه‌های افراطی، رشته وحدت از میان مسلمانان گسسته و پراکندگی در میانشان بسیار شده است، وظیفه هر محقق منصفی به زبان آوردن گلوازه‌های وحدت است که صف‌ها را به هم پیوند دهد و اندیشه‌ها را به هم نزدیک گرداند تا همگی به ریسمان وحدت الهی چنگ زنند و جایی برای جدل‌های سترون باقی نماند. لذاست که مقام معظم رهبری - آنچنانکه به یاری حق در این مقاله نشان داده خواهد

شد- بر اساس مبانی قرآنی و با روش اجتهادی خردگرایانه خویش، به وحدت نه به عنوان یک ابزار و تاکتیک یا امری موقتی و زمان‌دار، بلکه به عنوان یک هدف میانی و یک خرده‌استراتژی می‌نگرند و با تبیین چشم‌اندازها، اهداف، لوازم و موانع تحقق وحدت، بر نقش انکارناپذیر آن در بازآفرینی تمدن نوین اسلامی تاکید می‌ورزند.

مفهوم‌شناسی

وحدت

«وحدت» در لغت به معنای یگانه شدن و انفراد است. لغویان درباره معنای «اتحاد» گفته‌اند: «والإِتِّحَادُ صِبْرُورَةُ الشَّيْثِينَ الْمَوْجُودِينَ شَيْئاً وَاحِداً»؛ اتحاد، یکی شدن دو چیز موجود است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۵۸/۳) بنابراین، هرگاه چند چیز با حفظ خاصیت شخصی خود با هم یکی شوند، اتحاد حاصل خواهد شد. اتحاد میان مسلمانان به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آن‌ها است و این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خویش است. (خومحمدی، ۱۳۸۵: ۴۵). مقام معظم رهبری واژه وحدت را در قالب پاسخ به یک سؤال، این گونه معنا نمودند:

«منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یک جور فکر کنند؟ نه. یعنی همه مردم یک جور سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه. یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک جناح یا گروه را بخواهند؟ نه. معنای وحدت این‌ها نیست. وحدت مردم یعنی نبودن تفرقه، نفاق، درگیری و کشمکش، حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی هم مثل هم نیستند، می‌توانند کنار هم باشند، می‌توانند دعوا نکنند.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۱/۲۶)

به این ترتیب معلوم می‌شود وحدت امت اسلامی از نظر ایشان به معنای همدلی، همکاری و روابط حسنه مذاهب اسلامی با یکدیگر به منظور مقابله با دشمنان اسلام و تقریب بین مذاهب اسلامی با احترام به عقاید و اصول و مبانی فقهی و کلامی یکدیگر و عدم اهانت به مقدسات یکدیگر می‌باشد. لذا در سخنی دیگر به این نکته تصریح می‌کنند که:

«مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۵/۵/۳۰)

استراتژی

واژه استراتژی (strategy) از ریشه یونانی strategem به معنای فرمانده ارتش، مرکب از stratos به معنی ارتش و ago به معنای رهبر گرفته شده است. مفهوم استراتژی ابتدا به معنای فن، هدایت، تطبیق و هماهنگ‌سازی نیروها جهت نیل به اهداف جنگ در علوم نظامی بکار گرفته شد؛ (داوری، ۱۳۸۸: ۵۶) اما به تدریج، از بُعد نظامی محض فاصله گرفت و در معنای اصطلاحی جدید، این گونه تعریف می‌شود:

فن و علم توسعه و به کارگیری قدرت و توانایی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت هنگام جنگ و صلح، به منظور تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب، برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست. (بابایی، ۱۳۶۹: ۴۴)

به عبارت دیگر، استراتژی یک برنامه واحد، همه‌جانبه و تلفیقی است که محاسن یا نقاط قوت اصلی را با عوامل و تغییرات محیط مربوط می‌سازد و به نحوی طراحی می‌شود که با اجرای صحیح آن از دستیابی به اهداف اصلی اطمینان حاصل شود. (Chandler, 1962, p.13) لذا می‌توان گفت: استراتژی یا راهبرد پلی میان تهدیدها و فرصت‌های محیطی و نقاط قوت و ضعف داخلی سازمان یا جامعه است. (باقریان: ۱۳۷۹)

اندروز^۱ می‌گوید: استراتژی عبارت است از الگوی منظورها، مقاصد، اهداف، خط‌مشی‌های اصلی و طرح‌هایی جهت دستیابی به اهداف (Christensen, 1989, p.15).

اسمیت^۱ و والش^۲ استراتژی را به عنوان مسیرهایی با جایگزین‌های مختلف آن توصیف می‌کنند (Smith And Walsh, 1978, p.19) از نظر میتزبرگ^۳ استراتژی عبارت است از الگوی به جریان انداختن تصمیمات. (Mintzberg and et.al, 1998, p.p.80-85).

مدیریت استراتژیک را مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات مدیریتی خوانده‌اند که عملکرد بلندمدت یک شرکت یا سازمان را تعیین می‌کند. (حسین زاده و خدادادی، ۱۳۹۷: ۶۴) در تعریفی دیگر، مدیریت استراتژیک، هنر و علم تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیمات و وظیفه‌ای چندگانه است که سازمان را قادر می‌سازد با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده‌نگر، جامع‌نگر و اقتضایی به برای مسائل خود راه‌حل‌های بهینه را یافته و به اهداف بلندمدت خود دست یابد. (دیوید، ۱۳۸۳: ۲۴)

مدیریت استراتژیک به سازمان این امکان را می‌دهد که به شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کند و برای شکل دادن به آینده خود به صورت انفعالی عمل نکند. این شیوه مدیریت باعث می‌شود که سازمان دارای ابتکار عمل باشد و فعالیت‌هایش به گونه‌ای درآید که اعمال نفوذ نماید (نه اینکه تنها در برابر کنش‌ها، واکنش نشان دهد) و بدین گونه سرنوشت خود را رقم بزند و آینده را تحت کنترل درآورد. (پورصادق، ۱۳۹۳: ۳)

فرآیند مدیریت استراتژیک سه مرحله دارد: تدوین، اجرا و ارزیابی. (دیوید، ۱۳۸۹: ۲۵) در مرحله تدوین، مأموریت سازمان تعیین شده و عوامل خارجی و داخلی بررسی می‌شوند تا فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها مشخص و بر اساس آن‌ها اهداف و استراتژی‌های سازمان در سطوح مختلف تعیین شوند. در مرحله اجرا، استراتژی‌های تعیین شده در مرحله تدوین، بایستی به اجرا درآیند. در مرحله ارزیابی، تغییرات احتمالی عوامل اثرگذار داخلی و خارجی و اثرات احتمالی آن‌ها بر مأموریت، اهداف و استراتژی‌ها و راهکارهای اجرایی بررسی می‌شود. همچنین نحوه انجام هر کدام از مراحل تدوین و اجرای استراتژی از ابعاد مختلف مورد مذاقه قرار می‌گیرند و در نهایت نتایج به دست آمده و

1- Smith

2- Walsh

3- Mintzberg

نحوه دستیابی به آن‌ها، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند تا انحرافات احتمالی شناسایی شده و در جهت رفع آن‌ها اقدام شود. (حسینی و سالاری: ۱۳۹۰)

خرده استراتژی‌ها: به اسنادی اطلاق می‌شود که در حوزه‌ای خاص اقدام به بازتعریف اسناد بالادستی به شکل روابط مستقیم و غیرمستقیم می‌نماید. خرده استراتژی‌ها همچنان کلان هستند؛ اگرچه نه به میزان سیاست‌های کلان.

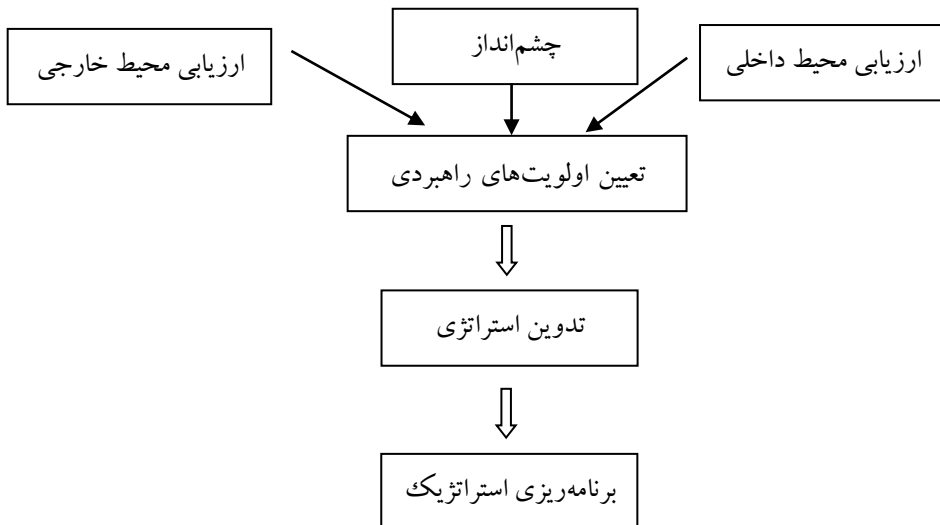
ضرورت بحث

در زمینه تقریب مذاهب و وحدت امت اسلامی تاکنون مباحث نظری بسیاری مطرح و کوشش‌های زیادی صورت گرفته و هرچند موفقیت‌هایی هم حاصل گردیده است، اما همچنان موانع متعددی بر سر راه تحقق آن وجود داشته و دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم به ثمر نرسیدن تلاش‌های تقریبی، نداشتن یک استراتژی مدون در راستای دستیابی به وحدت امت مسلمان است. از این رو تبیین نظری مؤلفه‌های وحدت اسلامی و تدوین استراتژی تقریب مذاهب - به‌رغم آنکه شاید در ابتدا موضوعی تکراری بنظر رسد - همچنان یکی از مؤثرترین راه‌های وصول به تفاهم صمیمی و اتحاد واقعی بین مسلمین تلقی می‌شود. این مقوله می‌تواند علاوه بر برقراری اتحاد و صلح در حوزه اسلامی، اتحاد و صلح در حوزه پیروان ادیان توحیدی و حتی در حوزه جوامع بشری را به ارمغان آورد. (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۶۴۵)

اکنون در مسیر تحقق اهداف بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب و پایه‌ریزی بنیان‌های تمدن نوین اسلامی، تدوین خرده‌استراتژی‌های مختلفی چون: روابط بین‌الملل، محیط زیست، و ... از وظایف بنیادین نهادهای اندیشه‌ورز به شمار می‌رود. انسجام ملی و وحدت اسلامی نیز یکی از این خرده‌استراتژی‌هاست که با الهام از آموزه‌های مدیریت استراتژیک و با بهره‌گیری از منابع دینی، تدوین شده و می‌تواند یکی از مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب و زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی به شمار آید.

طرح بحث

بر اساس آنچه گفته شد، اگر جامعه اسلامی را به‌عنوان یک سازمان بزرگ در نظر بگیریم، استراتژی دستیابی به وحدت را می‌توان این‌گونه ترسیم نمود:



در فرآیند فوق:

- چشم‌انداز عبارت است از آینده‌ای واقع‌گرایانه و قابل تحقق که جامعه اسلامی باید به‌سوی آن حرکت کند. چشم‌انداز، وضعیتی را معرفی می‌کند که پس از اجرای موفقیت‌آمیز استراتژی وحدت، به آن دست خواهیم یافت.
- مقصود از محیط داخلی، فضای سیاسی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و منظور از محیط خارجی، فضای جوامع غیرمسلمان و رقیب و تأثیر آن بر جهان اسلام و وحدت اسلامی است.
- تعیین اولویت‌های راهبردی: در این مرحله، اولویت‌هایی که باعث پیشرفت به‌سوی چشم‌انداز می‌شوند، تعیین می‌گردند و در واقع به این سؤال پاسخ داده می‌شود که در دنیای پر تشنگی اسلام که تقریباً زمینه‌ای برای همیاری بالفعل آن وجود ندارد، چه فعالیت‌هایی برای دستیابی به آرمان وحدت باید در اولویت قرار گیرد؟
- تدوین استراتژی‌ها: در این مرحله زمینه‌های عملکرد مناسب جهت دستیابی به

اهداف و چشم‌اندازها تعیین می‌شوند.

در صفحات آینده نشان داده خواهد شد که استراتژی دستیابی به وحدت به‌عنوان یک خرده‌استراتژی در بیان و بنان مقام معظم رهبری به خوبی و با دقتی تحسین‌برانگیز ترسیم گردیده و این نخبگان جوامع اسلامی‌اند که شایسته است با بهره‌گیری از این سخنان، به تدوین یک برنامه راهبردی هدفمند جهت تحقق وحدت اسلامی جامه عمل ببوشند. در این مقاله، با توجه به گستردگی موضوع، تنها مرحله تدوین استراتژی وحدت از منظر معظم‌له مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چشم‌انداز

مقام معظم رهبری - که به‌راستی می‌توان ایشان را از پیشتازان وحدت مسلمین در دهه‌های اخیر حاضر نامید - علاوه بر آنکه اشتراک در هدف، اصول و مبانی، خط مشی، راهنما و رهبر را زمینه‌های پیدایی وحدت اسلامی دانسته‌اند، دستاوردها و نتایج متعددی را بر تحقق این آرزوی دیرین برشمرده و از عواقب ناگوار تفرقه و اختلاف بر حذر داشته‌اند:

(۱) تحقق آرمان بلند تمدن اسلامی

رهبر معظم انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، به ورود انقلاب اسلامی ایران به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اشاره و بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگ آن یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، آرمان نظام جمهوری اسلامی را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن خلق کرده است، برسد؛ ... تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان جمهوری اسلامی این است.» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۶/۱۳۹۲)

ایشان وحدت ملی را در کنار برخی امور دیگر، یکی از راهبردهای وصول به این آرمان بلند تلقی کرده و می‌افزایند:

«راه‌هایی که ما را به این اهداف (آرمان‌ها) می‌رساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت. تکیه بر اسلامیت ... تکیه بر آرای مردم و آنچه مردم‌سالاری را تشکیل می‌دهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاست‌های کلان و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمان‌ها، کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملی و از این قبیل...» (همان)

از این سخن پیداست که در نگاه معظم‌له، وحدت‌آفرینی و تقریب بین مذاهب اسلامی یک راهبرد اساسی و اجتناب‌ناپذیر برای تحقق چشم‌انداز کلان تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود؛ چرا که اصولاً تصور یک تمدن انسانی با وجود تشتت‌های مذهبی و انشعابات میهنی، دشوار است چه رسد به تحقق آن؛ و اگر فرضاً چنین چیزی محقق شود، دوام چندانی نخواهد یافت. گوستاو لوبون ضمن تأکید بر این نکته می‌گوید:

«اتحاد نژادی یا وحدت سیاسی که پیغمبر اسلام شالوده آن را در عربستان ریخته، از راه اتحاد مذهبی بوده و هیچ استبعاد نداشت با وفات وی (در سال ۶۳۲م) این اتحاد مذهبی ختم شده از بین برود.» (لوبون، ۱۳۱۸، ۱۷۱) همچنین یکی از ویژگی‌های بارز قرن چهارم و پنجم هجری که مقطع برجسته و درخشانی در اعتلای فرهنگی و علمی و ادبی جهان اسلام به شمار آمده و به درستی «دوران طلایی تمدن اسلامی» یا «عصر رنسانس اسلامی» نامیده شده است، وحدت نسبی بین طوایف و مذاهب مختلف بود که در سایه رواداری حاکمان آل‌بویه برقرار شده بود. به باور محققان، مدارای مذهبی حاکمان آن دوره و تعامل و وحدت نسبی میان فرق و مذاهب مختلف - با وجود درگیری‌های پراکنده‌ای که گاه میان شیعیان و حنابله در بغداد رخ می‌داد - راز موفقیت و تأسیس تمدن اسلامی بود و جامعه اسلامی با دوری از تفرقه و نزاع‌های قومی و قبیله‌ای توانست عصر رنسانس اسلامی را رقم بزند. (رستمی نجف‌آبادی و بهرامیان، ۱۳۹۷) حال اگر امت اسلامی بخواهد تمدن نوین اسلامی را با مختصات امروزی آن رقم بزند، ناگزیر است مجدداً برخی از راهبردهای پیشین از جمله وحدت اسلامی را در پیش بگیرد.

این راهبرد البته مراتبی دارد: نازل‌ترین مرتبه‌اش عدم تعرض جوامع و مذاهب اسلامی به منافع یکدیگر و عالی‌ترین آن، تلاش و همکاری برای دستیابی به آرمان مزبور است.

مراتب وحدت در سخن اندیشمندان و بدیع دیگری از مقام معظم رهبری اینگونه تبیین شده است:

«وحدت و اتحاد دنیای اسلام مراتبی دارد؛ پایین‌ترین مرتبه‌اش این است که جوامع اسلامی، کشورها و دولت‌های اسلامی، اقوام و مذاهب اسلامی، علیه هم دست به تعرض نزنند، با هم معارضه نکنند... این قدم اول است. البته بالاتر از این، این است که دنیای اسلام علاوه بر اینکه به یکدیگر ضربه نمی‌زنند، در مقابل دشمن مشترک هم دست به دست هم بدهند، اتحاد واقعی و کافی داشته باشند، از یکدیگر دفاع کنند... از این بالاتر هم این است که کشورها و ملت‌های اسلامی هم‌افزایی کنند. کشورهای اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ ثروت، امنیت و قدرت سیاسی در یک سطح نیستند، می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، هم‌افزایی کنند، آنهایی که بالاترند در هر بخشی، دست آن کسانی را که پایین‌تر هستند بگیرند... مرحله بالاتر هم این است که همه دنیای اسلام متحد بشوند در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی. این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام.»

(بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی - ۱۳۹۸/۸/۲۴)

۲) غلبه بر تهدید و تهاجم دشمن

یکی از مهم‌ترین ثمرات وحدت، غلبه بر دشمنان امت اسلامی و خنثی‌ساختن تهدیدات آنان است. در مقابل، کینه‌توزی، بخل، نفاق و پشت یکدیگر را خالی کردن موجب تضعیف شوکت جامعه اسلامی گردیده و دشمنان را به طمع می‌افکند. مقام معظم رهبری تفرقه امت اسلامی را عامل اصلی ضعف و شکست کشورهای اسلامی و وحدت را رمز پیروزی و رهایی مسلمانان از ظلم و استعمار مستکبرین و حل مشکلات و گره‌های ناگشوده امت اسلامی می‌دانند:

«ملت‌های شجاع و به پا خاسته در مصر، تونس و لیبی و دیگر ملت‌های بیدار و مبارز بدانند، نجات آنان از ظلم و کید آمریکا و دیگر مستکبران غربی، تنها و تنها در آن است که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار شود. مسلمانان برای اینکه بتوانند مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل کنند، باید خود را به مرز قدرت بزرگ جهانی برسانند؛ و

این جز با همکاری و همدلی و اتحاد کشورهای اسلامی به دست نخواهد آمد.» (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۹۰/۸/۱۴) معظم‌له در جای دیگر، می‌فرمایند:

«آن چیزی که می‌تواند جلوِ تهاجم گستاخانه آمریکا را بگیرد، فقط و فقط وحدت ملی و وحدت کلمه است... علاج مقابله با تهدیدهای آمریکا عبارت است از وحدت ملت، وحدت مسئولان، مراعات جناح‌های مختلف سیاسی و گردآمدن حول همان محورهایی که امام بزرگوار ما به عنوان اصول این انقلاب و نظام معین کرده و مورد قبول این ملت است...» (بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۸۱/۳/۱۴) و باز در جای دیگر خاطر نشان کرده‌اند:

«مهم‌ترین سلاح ملت ایران برای خنثی کردن تهدیدها، همبستگی ملی و همدلی است... همدلی و همبستگی شما مردم و چنگ زدن شما به ریسمان الهی و ایمان دینی، مهم‌ترین سلاح ملت ایران است.» (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۴/۱/۱)

۳) علاج مشکلات

جهان اسلام مشکلات عدیده‌ای دارد. بخشی از این مشکلات و کاستی‌ها به مردم و برخی دیگر به دولت‌های کشورهای اسلامی بر می‌گردد. پاره‌ای دیگر از مشکلات نیز ریشه در توطئه‌های استعمارگران دارد. به باور سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مسخ اندیشه دینی، فقدان دانش تجربی، رهبران نالایق، استعمار غرب و فقدان همبستگی اجتماعی عواملی است که رکود جامعه اسلامی را در عصر حاضر رقم زده است. (اسماعیل‌نیا، ۱۳۷۶) وی پس از شناخت مصائب، مفسد و توان‌مندی‌های جهان اسلام، در پی یافتن راه حلی برآمد و مهمترین راه حلی که برای نجات جهان اسلام ارائه داد، طرحی اصلاحی به نام «اتحاد اسلام» بود. شهید مطهری در تبیین این ایده می‌آورد:

«ظاهراً ندای اتحاد اسلام در برابر غرب را اولین بار سیدجمال طرح کرد. منظور از اتحاد اسلام، اتحاد مذهبی که امری غیر عملی است، نبود بلکه منظور اتحاد جبهه‌ای و سیاسی بود یعنی تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر.» (مطهری، ۱۳۶۳: ۲۳) خود او در شرح مبانی نظری این ایده می‌نویسد:

«سازمان مغز و اندیشه خود را به تشخیص درد اصلی شرق و جستجوی درمان آن اختصاص دادم. دریافتم که کشنده‌ترین درد شرق، جدایی افراد آن از یکدیگر و پراکندگی اندیشه‌های آنان و اختلافشان بر سر اتحاد و اتحادشان در اختلاف است. پس تلاش کردم در راه وحدت عقیده آنها و آگاه کردن آنها نسبت به خطر غربی که ایشان را فرا گرفته است.» (حسینی طباطبایی، ۱۳۵۷: ۳۸) مقام معظم رهبری نیز یکی از اصلی‌ترین راه حل‌های رفع مشکلات جهان اسلام را وحدت امت اسلام دانسته و معتقدند:

«اگر اتحاد بین مسلمین به صورت واقعی و به معنای حقیقی تحقق پیدا کند، اکثر مشکلات مسلمین برطرف خواهد شد.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۸۹/۱۲/۱) و نیز تاکید کرده‌اند:

«امروز دنیای اسلام دچار محنت‌های بزرگی است و راه حل آن محنت‌ها، اتحاد اسلامی است. وحدت، هم افزایی، کمک به یکدیگر، از اختلافات مذهبی و فکری عبور کردن.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۵/۹/۲۷)

این راه حل، فارغ از عناصر زمان و مکان بوده و اختصاصی به زمان گذشته یا جغرافیای ایران اسلامی ندارد، بلکه به باور ایشان، «گره‌های بزرگ و گوناگون یک ملت را، اتحاد آن ملت با سرانگشتی معجز آسا باز می‌کند؛ چنان که اتحاد ملت ما نیز همین گونه بوده است و در آینده نیز همین‌طور خواهد بود. این، همان خصوصیتی است که امام بزرگوار، دائماً ما را به آن وصیت و نصیحت می‌کرد و پیوسته مردم را به «وحدت کلمه» و اتحاد در شعارها، حرکت‌ها، اقدام‌ها و همدلی با یکدیگر دعوت می‌فرمود. آن روز علاج مشکلات، وحدت کلمه و اتحاد بود؛ امروز هم اتحاد و وحدت کلمه، علاج کننده مشکلات است. (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱) معظم‌له به مردم عراق نیز همین را توصیه کرده‌اند:

«ما امیدواریم که مسئولان برجسته‌ی فرهنگی، دینی، سیاسی، اجتماعی، مردمی و عشایری در عراق توجه کنند که علاج مشکل آنها «اتحاد کلمه» است. مبادا در دام دشمن بیفتند و با انگیزه‌های مذهبی و فرقه‌ای و سیاسی و جناحی و امثال اینها خودشان را تضعیف کنند و دشمن را تقویت؛ که نتیجه، تسلط دشمن خواهد بود. (بیانات در دیدار کارگزاران

نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۰۸/۰۲)

ارزیابی محیط داخلی و خارجی

از عوامل مهم و تأثیرگذار در تدوین یک استراتژی، شناخت درست از محیط و ارزیابی صحیح و دقیق از پدیده‌های محیطی است. اثربخشی و موفقیت یک استراتژی در صورتی تضمین خواهد شد که محیط و پدیده‌های محیطی به‌خوبی مورد بررسی قرار گرفته و تصمیمات موردنیاز با توجه به تأثیرات محیط و پدیده‌های مختلف محیطی اتخاذ شده باشد. هرگونه خوش‌بینی یا بدبینی مفرط درباره اوضاع و شرایط محیطی داخلی یا خارجی، استراتژی را عقیم خواهد ساخت. از سوی دیگر، استراتژی‌ها همواره با فرصت‌ها و تهدیداتی مواجه هستند. هر استراتژیستی که بتواند فرصت‌ها و تهدیدات حال و آینده را به‌خوبی پیش‌بینی کرده و نقاط قوت و ضعف مجموعه خود را به‌صورت صحیح ارزیابی کند، از کاستی‌ها و نقص‌ها رهایی یافته و از مشکلات و تهدیدات به‌سلامت عبور خواهد کرد. مقام معظم رهبری با استناد به حدیثی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «العالمُ بزمانه لا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۷/۱) به این نکته استراتژیک، اینگونه اشاره می‌کنند:

«باید بیدار باشیم، اگر صحنه را بشناسیم، عرصه را بشناسیم، دشمن را بشناسیم، نقشه دشمن را بدانیم، غافلگیر نخواهیم شد.» (بیانات در دیدار مردم کازرون، ۱۳۸۷/۲/۱۶)

مروری کوتاه بر پیام‌ها، سخنان و مواضع مقام معظم رهبری، نشان می‌دهد ایشان همواره با فراستی مثال‌زدنی، اوضاع و شرایط زمانه را رصد نموده و با ارزیابی دقیق از محیط داخلی و خارجی جامعه اسلامی، شرایط حال و آینده آن را از جهت وحدت و یکپارچگی یا تفرقه و اختلاف، تبیین و پیش‌بینی می‌نمایند. در نگاه ایشان، عمده‌ترین مسائلی که در حال حاضر، جوامع اسلامی در مسیر تحقق وحدت اسلامی با آن مواجه هستند، در دو قالب تهدیدها و فرصت‌ها قابل طرح و از این قرارند:

الف) تهدیدها

رهبر انقلاب در پیام‌شان به کنگره حج سال ۱۳۷۵ فهرستی از مشکلات جهان اسلام ارائه کرده‌اند که موجب شده این مجموعه پراستعداد، نتواند از امکانات استثنایی و کارساز

خویش بهره‌بردار و در نتیجه ملت‌ها و کشورهای اسلامی از قافله دانش بشری عقب، و از ثروت عظیم مادی خود بی‌بهره، و در فرهنگ، مقهور بیگانه؛ و در عرصه سیاست بین‌المللی، تابع دیگران؛ و از لحاظ نظامی غالباً در معرض تجاوز و سرکوب قدرتهای استکباری، بوده باشند. اهمّ این مشکلات که بیشتر بر اثر کوتاهی و غفلت یا خیانت از درون امت اسلامی، پدید آمده است، از این قرارند:

- اختلافات فرقه‌ای که بیشتر به وسیله علمای سوء و نویسندگان مزدور ترویج و تشدید می‌شود.

- اختلافات قومی و ملی ناشی از ملی‌گرایی افراطی که بیشتر به دست روشنفکران وابسته دامن زده می‌شود.

- تسلیم در برابر قدرت‌های مداخله‌گر که برخی کشورها را به اقمار قدرت‌های بزرگ بدل ساخته است.

- تسلیم در برابر فرهنگ فاسد غرب و حتی ترویج آن با انگیزه‌های سیاسی یا عقیدتی.

- بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی برخی از دولت‌ها به مردم خود و اراده و عقیده و نیازهای آنان، و خودکامگی در برابر آنان.

- مرعوب بودن بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام از قدرت‌های مسلط جهان و امروز مشخصاً از امریکا.

- حضور دولت غاصب صهیونیستی در قلب منطقه اسلامی که خود عامل بسیاری از مشکلات دیگر است.

- ترویج جدایی دین از سیاست و معرفی اسلام به عنوان یک تجربه فردی که هیچ کاری به مسائل زندگی از قبیل: حکومت و سیاست و اقتصاد و غیره ندارد.

و اما توضیح برخی از این موارد:

۱) عقب‌ماندگی مزمن

ظهور و انحطاط تمدن اسلامی از حوادث بزرگ تاریخ است. اسلام طی پنج قرن (۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م) از لحاظ نیرو، نظم، بسط قلمرو حکومت، تصفیه اخلاق و رفتار، سطح

زندگانی، وضع قوانین منصفانه انسانی، ادبیات، دانشوری، علم، طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود. (دورانت، ۱۳۷۸، ۱۳۷۸، ۴/۴۳۲) اما صد افسوس که این اقتدار و عظمت تمدن اسلامی پس از چندی به ضعف و انحطاط گرایید. عوامل خارجی چون تهاجم نظامی (جنگ‌های صلیبی، حمله مغول و سقوط اندلس)، تهاجم اقتصادی و تهاجم فرهنگی و عوامل داخلی چون استبداد و ستم حاکمان و تجمل‌طلبی و عافیت‌خواهی مردم روند این انحطاط را سرعت بخشید. برخی صاحب‌نظران عامل افول تمدن اسلامی را فقدان وحدت و انسجام جامعه اسلامی و بروز تعصبات قومی و محلی دانسته‌اند. (زرین‌کوب، ۱۳۶۹، ۱۵) صرف‌نظر از عواملی که زمینه‌ساز افول و انحطاط تمدن اسلامی گردید، امروزه این یک واقعیت غیرقابل انکار است که «امت اسلامی دچار تفرقه است، دچار ضعف است، دچار عقب‌ماندگی است؛ کفار و دشمنان دین در سیاست و در امور زندگی او دخالت می‌کنند؛ به او ظلم می‌کنند و او نمی‌تواند از خودش دفاع کند.» (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۵/۵/۱۷)

۲) فرقه‌گرایی مذهبی

دشمنی و تفرقه یکی از عوامل اصلی انحطاط جوامع قبل از اسلام بود که آن‌ها را از دستیابی به یک تمدن مترقی محروم و بر پرتگاه هلاکت مُشرف می‌نمود. اسلام با تعلیمات مبنی بر جستجوی علم و ترک تعصبات قومی، مذهبی و اعلام همزیستی با اهل کتاب، غلّ‌ها و زنجیرهایی را که به تعبیر قرآن به دست و پا و گردن مردم جهان آن روز بسته شده بود، پاره کرد و زمینه رشد یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم آورد (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۵۰). در واقع، یکی از ثمرات حرکت عظیم نبوی (ص) تبدیل کینه‌ها و دشمنی‌های عصر جاهلیت به اخوت اسلامی بود؛ چنانکه قرآن کریم فرمود: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَغْدَاءً قٰلَفَ بَيْنَ قُلُوْبِكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوٰنًا» (آل عمران/۱۰۳) و امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه قاصعه ضمن اشاره به نقش اختلاف و تفرقه در شکل‌گیری آن اوضاع نابسامان، مخاطبانش را به قدرشناسی نعمت عظیم رسالت در رفع این آشفتگی‌ها دعوت نمود.

اما سوگمندانه باید گفت به‌رغم بهبود نسبی شرایط و از بین رفتن مظاهر تفرقه و گسست اجتماعی در جاهلیت پیش از اسلام، پراکندگی رأی و اختلاف فرقه‌ای بعد از

رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دوباره سر برداشت و از آن پس همواره بین مسلمین وجود داشته و مانعی سخت بر سر راه تعالی جامعه اسلامی به شمار رفته است. اختلافات مذهبی و جنگ‌های طایفه‌ای میان گروه‌های مختلف، جامعه اسلامی را دچار آشوب‌های اجتماعی و سیاسی نمود و همین امر علاوه بر عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، منجر به تضعیف دین شده و مسلمانان را از دستیابی به اهداف و آرمان‌های متعالی خویش باز داشت. (قاسمی آرانی، ۱۳۹۳: ۱۵۶)

به باور مقام معظم رهبری، اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، پدیده‌ای تاریخی است که هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مانند اشاعره و معتزله، حنبله و احناف و شافعیه و ... و هم بین فرق مختلف شیعه وجود داشته و تا حدودی طبیعی بوده و هست؛ لیکن از دوره‌ای به بعد، عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود که وقتی وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد. (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و تشیع ۲۵/۱۰/۱۳۸۵)

امروزه نیز نگاه دستگاہ استکبار و استعمار به دنیای اسلام، این است که سعی می‌کنند دنیای اسلام را هرچه بیشتر از وحدت خود دور کنند. (بیانات رهبری ۱۳۹۵/۹/۲۵) همان دست‌های استعماری که در طول قرن‌های گذشته سعی می‌کردند بین شیعه و سنی اختلاف ایجاد کنند، امروز هم تلاش می‌کنند برای این که بین شیعیان و سنیان، کینه و برادرکشی و اختلاف به وجود آورند. تبلیغات وسیع دشمن در جهت اسلام‌هراسی، تلاش شتاب‌زده‌ای که برای ایجاد اختلاف میان فرقه‌های اسلامی و برانگیختن تعصب‌های فرقه‌ای می‌کند، دشمن‌تراشی‌های کاذب از شیعه برای سنی و از سنی برای شیعه، تفرقه‌افکنی میان دولت‌های مسلمان و کوشش برای تشدید اختلافات و تبدیل آن به دشمنی‌ها و معارضه‌های لاینحل و ... همه و همه واکنش‌های سرآسیمه‌گون و آشفته در برابر گام‌های استوار امت اسلامی به سوی بیداری و عزت و آزادی است. (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۹/۸/۲۴)

۳) ناسیونالیسم منفی

از منظر مفهومی، ناسیونالیسم آئین اصالت دادن به ملت و ملت‌گرایی است. (هیئت، ۱۳۸۱) در تعبیر دیگری، ملی‌گرایی یا ناسیونالیسم عبارت است از عشق و علاقه و تعلق خاطر داشتن یک ملت به سرزمین، زبان، فرهنگ، تاریخ و یا نژاد که همین وابستگی‌ها باعث می‌شود آن ملت از این خصایص دفاع کرده و آنها را حفظ کنند. (شهرام نیا و نظیفی، ۱۳۹۲: ۱۹۸)

«مک گراون» اعتقاد دارد در سال‌های اخیر کمتر پدیده سیاسی به اندازه ناسیونالیسم، توجه همگان را به خود جلب کرده است و در همان حال از کمتر پدیده‌ای بدین اندازه چشم‌پوشی شده است. (مک گراون، ۱۳۸۴: ۲۲۹) رگه‌هایی از ناسیونالیسم، در عرصه روابط بین‌الملل نیز رخ می‌نماید که گرچه منافعی داشته است، ولی با گسترش آن در جهان، بشر شاهد وقوع درگیری‌های خانمان‌سوزی مانند جنگ‌های بین‌الملل اول و دوم، جنگ بوسنی و ... نیز بوده است. ملی‌گرایی به معنی «الوطنیه» یا همان میهن‌دوستی نه تنها مذموم نیست، بلکه می‌تواند محرک و زمینه‌ساز توسعه‌یافتگی باشد؛ اما ملی‌گرایی به معنی «القومیة» که بر وحدت انسان‌ها بر پایه نژاد و ملیت خود و جدایی از سایر ملت‌ها و ایجاد تفرقه تأکید می‌کند، بُعدی منفی از ملی‌گرایی محسوب می‌گردد. (فیضی سخا، ۱۳۹۷: ۹۵) در کشورهای اسلامی، ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی همواره رقیبی برای اندیشه‌های اسلام‌گرایانه و مبتنی بر وحدت امت اسلامی بوده است. این در حالی است که قرآن کریم در آیه «و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات/۱۲) صراحتاً به نفی مفاخرات قومی و قبیله‌ای می‌پردازد و تنها معیار کرامت انسانی را تقوای الهی معرفی می‌کند. بر این اساس، راه ملیت و تمدن اسلامی از ملیت‌گرایی، نژادپرستی و تمدن‌ضد الهی کاملاً جدا می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ۴۶۹)

از نگاه ابوزهره، عوامل گوناگونی چون دشواری مسائل کلامی، دخالت تمایلات نفسانی، اختلاف‌گرایش‌ها، تقلید از پیشینیان، ریاست‌طلبی و نزدیک شدن به دربار سلاطین عمده‌ترین عوامل اختلاف بین مردم در طول تاریخ بوده است. وی نژادپرستی و تعصبات قومی و طائفه‌ای را دارای نقش محوری در پیدایش و تشدید اختلافات دانسته و از

آن به «جوهر اسباب الخلاف» تعبیر کرده است. (ابوزهره، ۱۲)

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز ضمن تحلیل فلسفی و علمی-تاریخی مسأله «ملیت و دیانت اسلامی، این نظریه را که «حس تعصب قومی و نژادی از خصایص فطری و طبیعی انسان‌ها است» رد نموده و آن را عارضی خوانده و گفته است: این حس تعصب و علاقه قومی، طبیعی نیست؛ بلکه از ملکات عارض بر انسان‌ها است که ابتدا فقط برای رفع نیازها و جلب منافع در آنان پدید آمد، ولی به تدریج به واسطه تربیت صحیح نیافتن، با خروج از جاده اعتدال و رسیدن به مرحله افراط، با افزایش طمع ورزی و توأم شدن آن با قدرت، به صورت دشمنی اقوام با یکدیگر جلوه کرد. (اسدآبادی، ۱۴۲۲ق: ۸۷)

به باور مقام معظم رهبری، «گسیختگی دنیای اسلام، تلخی بزرگی است و شاید اساس مشکل در آن باشد. ملت‌های اسلامی از هم جدایند. شاید نزدیک به صد سال است که دست‌هایی احساسات ناسیونالیستی را در ملت‌های اسلامی تقویت می‌کنند. در کشورهای عربی، احساس ناسیونالیسم عربی را؛ در ترکیه احساس ناسیونالیسم ترکی را؛ در ایران احساس ناسیونالیسم ایرانی را و در سایر ملت‌های مسلمان، احساسات ناسیونالیسمی دیگر را... تزریق چنین احساساتی به قیمت این تمام خواهد شد که ملت‌های یکپارچه، اینطور از هم گسیخته شوند و دشمنان اسلام هر بلایی می‌خواهند بر سر مسلمانان بیاورند. این هم یک گسیختگی دردآور است که به دلیل احساسات ناسیونالیستی یا احساسات فرقه‌ای بین شیعه و سنی رخ نموده است.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۱۱/۱۲)

۴) توطئه دشمنان

یکی دیگر از کارها و آرزوهایی که آنها دنبال می‌کنند، این است که وحدت ملی و وحدت بین مسؤولان را از بین ببرند؛ آحاد و گروه‌های مردم را با نام‌های مختلف از هم جدا کنند و میان آنها دیوار بکشند؛ بین جمعیت عظیم ملت ایران، دیوارهای بلند قومی، مذهبی، حزبی، سیاسی و بحث‌های مجادله آمیز بکشند و وحدت و یکپارچگی را محو سازند... با طرح مسائل انحرافی، وحدت مسؤولان کشور را از بین ببرند؛ بین آنها دائم اختلاف بیندازند. (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۱/۸/۱۳)

ب) فرصت‌ها و ظرفیت‌ها

در همان پیام به کنگره حج سال ۱۳۷۵، فهرستی اجمالی از ظرفیت‌های جهان اسلام ارائه شده است. معظم‌له مرقوم داشته‌اند:

«در بخش امکانات، باید از جمعیت یک میلیارد و چند صد میلیونی مسلمین آغاز کرد که بیش از پنجاه دولت، و سرزمین گسترده‌ای در میانه اقیانوس آرام و اقیانوس اطلس را در اختیار دارند. در میان این جمعیت عظیم، ملت‌هایی که معروف به هوش سرشارند و تمدن‌هایی که دارای سابقه چند هزار سال است، و شخصیت‌های بارز علمی و سیاسی وجود دارند. این مجموعه که نامش امت اسلامی است، دارای فرهنگی غنی با میراثی زخار و همراه با شکوفایی و درخشندگی استثنایی است و در عین تنوع و گوناگونی گسترده، از وحدت و هم‌آهنگی شگفت‌آوری بهره‌مند است... این ملت‌های برادر و همدل که از نژادهای سیاه و سفید و زرد تشکیل شده و به ده‌ها زبان سخن می‌گویند، همه خود را اجزاء امت بزرگ اسلامی می‌دانند و به آن افتخار می‌کنند و همه روزه به یک مرکز رو کرده با یک زبان خدا را نیایش کرده، از یک کتاب آسمانی درس و الهام می‌گیرند. منطقه جغرافیایی این مجموعه بشری، یکی از غنی‌ترین - اگر نگوئیم غنی‌ترین - سرزمین‌های جهان از لحاظ منابع طبیعی است، و بطور ویژه منابع نفت آن پشتیبان تمامی چرخ و پر تمدن ماشینی امروز جهان است.» ایشان در مواقع دیگری، این ظرفیت‌ها و استعدادها را با تفصیل بیشتری شرح داده‌اند:

۱) اصول مشترک

جامعه مسلمانان در پرتو اشتراکات عمیق اعتقادی، از ظرفیت بسیاری برای تحقق آرمان وحدت برخوردار است؛ چرا که خداوند در عرصه عقیده و شریعت و روش‌ها و اهداف در میان‌شان وحدت و هماهنگی به وجود آورده است. شیخ شلتوت در مقدمه‌ای که بر تفسیر مجمع البیان نوشته است، تعصّب‌نداشتن مؤلف آن را ستوده و چنین می‌نویسد:

«مسلمانان دارای دین‌های مختلف نیستند و نه صاحب انجیل‌های گوناگون. آنان دارای دین واحد و کتاب واحد و اصول واحد هستند... و همه طالبان حقیقی هستند که از کتاب خدا و سنت رسول اخذ می‌شود و حکمت گمشده آنان است که از هر جایی آن را

می‌جویند.» (شلتوت، ۳۱). بدین گونه این استاد مصلح، فرقه‌های مختلف مذهبی را به همبستگی و اتحاد دعوت می‌کند و تفسیر مجمع‌البیان را یکی از مایه‌های وفاق و تقریب بین مذاهب اسلامی می‌شمرد. رهبر معظم انقلاب نیز ضمن نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ به عنوان سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» تاکید کردند که برای افزایش انسجام اسلامی باید بر اصول مشترک ملت‌های مسلمان تکیه کنیم. (بیانات در دیدار با زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱)

۲) مواهب طبیعی و خدادادی

بسیاری از کشورهای اسلامی از نیروی انسانی، امکانات طبیعی، ذخایر زیر زمینی، سابقه فرهنگی و تاریخی و توانایی‌های علمی و صنعتی باارزشی برخوردارند که مع‌الاسف، برخی از آنها ناشناخته است یا از آنها به درستی استفاده نمی‌شود؛ در حالی که بهره‌گیری صحیح از این ظرفیت‌هاست که مشکلات و معضلات مسلمین را چاره می‌کند.

۳) جمعیت فراوان

از مزیت‌ها و ظرفیت‌های دول و ملل اسلامی، تراکم جمعیتی و جمعیت زیاد است که عمدتاً در مناطق حساس و ژئوپلیتیک جهان مانند غرب آسیا سکنی دارند و اگر بخواهند، می‌توانند تأثیر شگرفی بر روابط بین‌المللی داشته باشند. مقام معظم رهبری به این ظرفیت مغفول اینگونه اشاره کرده‌اند:

«نزدیک به یک و نیم میلیارد نفر از جمعیت دنیا مسلمانند و مسکن آنها یکی از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین قطعات این زمین است. این همه منابع طبیعی، این میراث عظیم فرهنگی، این نیروی انسانی کارآمد و بااستعداد، این نفت و گاز ارزشمندی که در این کشورها هست؛ اینها و سوسه‌کننده قدرت‌های استکباری است؛ می‌خواهند بر اینها تسلط کامل داشته باشند؛ اما بیداری امت اسلامی مانع این است.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۴/۲/۶)

اولویت‌های راهبردی

در فاز سوم تدوین استراتژی که تعیین اولویت‌های راهبردی نام دارد، مقام معظم رهبری برای تحقق خرده‌استراتژی وحدت و انسجام مسلمانان در گستره جهان اسلام، به چند عامل راهبردی اشاره می‌کند:

۱. تمسک به قرآن کریم و سنت نبوی

قرآن مسلمانان را به وحدت و یگانگی دعوت نموده و ضمن تشبیه اختلاف و پراکندگی به گودال آتش، (آل عمران/ ۱۰۳) نزاع و مخاصمه و اختلاف را عامل ازهم پاشیدگی جامعه و اتلاف نیرو و توان آن دانسته است. (انفال/ ۴۶) علامه طباطبایی (ره) از سیاق آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ آل عمران نتیجه می‌گیرد که اعتصام به خدا و رسول، همان «اعتصام به جبل اللّه» و جبل اللّه همان قرآن و رسول خدا ﷺ است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۷۲/۳)

مطابق سخنی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه نخست نهج البلاغه، بزرگ‌ترین دستاورد بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ایجاد الفت و اتحاد در میان مردمی متفرق و پراکنده بوده است؛ مردمی که به واسطه تعصبات جاهلی به جان هم افتاده و در حال سقوط بودند و آن حضرت با تعالیم اسلامی همه را متوجه خدای یگانه کرد و امتیازات موهوم از قبیل مال و ثروت و نژاد و رنگ و حسب و نسب و امثال آن‌ها را از میان برداشت و تنها تقوی، علم و مجاهدت را ملاک برتری و فضیلت دانست. علی (علیه السلام) به اصحابش گوشزد می‌کند که قدر این نعمت بزرگ را بدانند تا پس از الفت و اتحاد به تفرق و اختلاف گرایش پیدا نکنند. (موثقی، ۱۳۷۰: ۱۴۸/۱).

از آنجا که پدیده‌ها علاوه بر علت موجد (محدثه) برای بقای خویش به علت مبقیه نیز نیاز دارند، لذا همان‌طور که مسلمین با پیروی از قرآن و سنت، اختلاف و تشتت را به وحدت و یکپارچگی مبدل ساختند، برای استمرار آن نیز به پیروی حقیقی از رهنمودهای قرآن و سیره نبوی سخت نیازمند بوده و هستند. بر این اساس، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حکمتی سودمند می‌فرماید:

«اگر مردم رهبری قرآن را کنار بگذارند و از آن جز خطوطی باقی نماند، دچار تفرقه

و پراکندگی خواهند شد.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۹).

مقام معظم رهبری نیز در موقعیت‌های گوناگون به نقش قرآن در وحدت بخشی صفوف مسلمین توجه داده و همگان را به وحدت پیرامون قرآن فراخوانده‌اند:

«توصیه دیگر قرآن به مسلمان‌ها، اتحاد کلمه آنهاست. اگر ما نهی قرآن را - که می‌گوید «و لا تفرقوا» - مورد توجه قرار ندهیم و به بهانه‌های مختلف بین خود اختلاف و تفرقه ایجاد کنیم و امت اسلامی را قطعه قطعه و جدا جدا کنیم، نتیجه همین وضعی می‌شود که ملاحظه می‌کنید: دشمن به قطعه‌ای از پیکر اسلامی حمله می‌کند، دیگر قطعه‌ها انگار نه انگار! در حال خواب خوش هستند! این جدایی است. باید به قرآن برگردیم. (بیانات در مراسم اختتامیه هجدهمین دوره مسابقات حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم، ۱۳۸۰/۷/۲۶)

از نگاه ایشان، محور دیگر وحدت، شخصیت و سنت رسول گرامی اسلام ﷺ است:

«با تکیه به نام مقدس پیغمبر و یاد آن بزرگوار - که محور وحدت امت اسلامی است - باید بر اختلافات قومی، مذهبی و طایفه‌ای، و اختلافات سیاسی غلبه کرد.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۴/۲/۶) «وجود مقدس نبی مکرم و رسول اعظم اسلام، مهم‌ترین نقطه ایجاد وحدت است. دنیای اسلام می‌تواند در این نقطه به هم پیوند بخورد؛ اینجا جایی است که عواطف همه مسلمانها در آنجا متمرکز می‌شود؛ این، کانون عشق و محبت دنیای اسلام است.. سیاستمداران، نخبگان علمی و فرهنگی، نویسندگان، شعرا و هنرمندان ما روی این نقطه تکیه کنند و همه مسلمان‌ها با این شعار به هم نزدیک شوند. موارد مورد اختلاف را در نظر نگیرند، یکدیگر را متهم نکنند، یکدیگر را تکفیر نکنند و یکدیگر را از حوزه دین خارج نکنند.» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۱/۲۷)

۲. محبت امیرالمومنین علیه السلام

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشت این است که قرآن بدون امام معصوم، نه تنها مایه اتحاد نیست، بلکه موجب اختلاف است؛ زیرا دل‌های مریض با تحمیل آراء و اهواء خود بر آن مذهب‌سازی و فرقه‌سازی می‌کنند. چنان‌که حضرت امیر علیه السلام در پیش‌بینی روزگار پس از خود می‌فرماید:

«مردم در آن روز بر تفرقه و پراکندگی اتحاد می‌کنند و در اتحاد و یگانگی

پراکندگی دارند؛ گویا این مردم پیشوایان قرآن‌اند و قرآن پیشوای آنان نیست. در این هنگام جز نامی از قرآن نزدشان باقی نماند و جز خطوط آن چیزی نشناسند...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷) لذا در کنار پیروی از سنت رسول گرامی، چون نمی‌شود همه فرق اسلامی را به ولایت‌پذیری و اطاعت از امیرالمؤمنین و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دعوت کرد، دعوت به محبت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان صحابی بزرگ آن حضرت می‌تواند یکی از محورهای وحدت اسلامی به شمار آید. این نکته‌ای است که آیت‌الله بروجردی نیز به آن متفطن شده و مساله «مرجعیت علمی اهل بیت» را به عنوان چیزی که وحدت بر سر آن میسر است، پیشنهاد داده‌اند. مقام معظم رهبری نیز با تغییر کلیدواژه «مرجعیت علمی» به «محبت»، بر این نکته پای فشرده‌اند که علی بن ابی طالب (علیه‌الصلاة والسلام) در این دوران که مسلمان‌ها به وحدت و یکدلی احتیاج مبرمی دارند، می‌تواند مظهر این وحدت و نقطه اشتراک و تلائم و همبستگی میان فرق اسلامی قرار بگیرد... دلیل این امر هم این است که اشتراک باید در چنین نقطه‌ای باشد که همه مسلمان‌ها در مقابل آن، مدعن و معترف و مقرر باشند... همه مسلمان‌های عالم -از فرقه‌های مختلف- درباره امیرالمؤمنین این را قائلند که این شخصیت عظیم، این انسان بی‌نظیر و این مظهر کامل اسلام، ذره‌ای و لحظه‌ای از متابعت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سربچی و کوتاهی نکرد؛ از دوران کودکی، تا دوران نوجوانی، تا دوران ربیعان شباب و تا آخر عمر، یک لحظه در راه مجاهدت برای خدا و برای اسلام و قرآن فروگذار نکرد. لذا در همه زمان‌ها و دوره‌ها، فرقه‌های اسلامی - به جز گروه ناچیز و اندک نواصب که خارج از فرق اسلامی هستند - شأن آن حضرت را شأن والا و برجسته و ممتازی می‌دانستند و این در کتاب‌های فریقین به روشنی قابل ملاحظه است. بنابراین امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) ملتی و محل اشتراک فرقه‌های اسلامی است و می‌تواند منبعی برای وحدت بین مسلمین به حساب بیاید.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (ع)، ۱۳۸۷/۰۴/۲۶)

حتی جالب است که مقام رهبری، نهج‌البلاغه را نه یک کتاب شیعی، بلکه متعلق به همه مسلمین می‌دانند. (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن و

۳. پرهیز از طرح مسائل حساسیت‌برانگیز

به موازات انتظار از جامعه اهل سنت برای همراهی و التزام به لوازم وحدت اسلامی، از شیعیان نیز انتظار می‌رود از طرح مسائل حساسیت‌زا پرهیز و چنانکه سیره علمای سلف بوده، ضمن دفاع از حقانیت مذهب حقه جعفریه و تبیین معارف ناب شیعی، به مقدسات اهل سنت احترام گذارند. متأسفانه در سال‌های اخیر، برخی افراد با استفاده از فضای مجازی و سایبری و به بهانه دفاع از اندیشه شیعه، به شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت از صحابه و تابعین توهین کرده و تلاش‌های وحدت‌آفرین عالمان راستین دین در مسیر تقریب مذاهب اسلامی را نقش بر آب می‌کنند. در همین فضا رهبر انقلاب اسلامی، فتوایی صادر نمود که به موجب آن جسارت به همسران پیامبر ﷺ و سایر شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت، حرام اعلام شد که این خود، از اولویت‌های مهم راهبردی در تحقق وحدت اسلامی است.

۴. حج ابراهیمی

یکی دیگر از راهبردهایی که از ظرفیت عظیم آن بعنوان بستری برای تحقق وحدت و تقریب می‌توان استفاده کرد، حج بیت الله الحرام است. مناسک حج در عین حال که یک مراسم معنوی پر رمز و راز برای سلوک معنوی فردی است، عالی‌ترین جلوه باشکوه اجتماع مسلمین و فرصتی بی‌نظیر برای ایجاد وحدت بین ملت‌های اسلامی است. رهبر انقلاب بارها بر اغتنام این فرصت تأکید کرده‌اند؛ از جمله:

«یکی از جنبه‌های اجتماعی حج مسئله اتحاد است. حج، مظهر حضور عظمت امت اسلامی است، مظهر وحدت و یکپارچگی و مظهر قدرت امت اسلامی است. بزرگ‌ترین اجتماع امت در هر سال، بی‌وقفه در یک نقطه معین انجام می‌گیرد؛ یعنی امت اسلامی به وسیله حج خود را نشان می‌دهد... ملت‌های مسلمان در حج با هم آشنا می‌شوند، انس پیدا می‌کنند، زبان هم را می‌فهمند، ... شبهه‌ها برطرف می‌شود، دشمنی‌ها کم‌رنگ و بتدریج برطرف می‌شود، دل‌ها به هم نزدیک می‌شود، دست‌ها به کمک هم می‌آیند، کشورها و ملت‌ها می‌توانند به هم کمک کنند؛ به مسئله‌ی وحدت امت اسلامی هم خیلی باید توجه بشود...» (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۶/۰۵/۰۸)

و باز ابراز داشته‌اند:

«حج مظهر وحدت اسلامی است... ملکیت‌های مختلف، مذاهب مختلف، سلیقه‌های مختلف همه در کنار هم و مثل هم. همه با هم طواف می‌کنند، با هم سعی می‌کنند، با هم در عرفات و مشعر وقوف می‌کنند... همدلی اسلامی، مظهر واقعی همدلی و هم‌زبانی در حج است؛ نه فقط برای ملت ایران، [بلکه] برای همه مسلمانان جهان؛ برای امت اسلامی... حج مظهر تشکیل امت اسلامی است... از همه جا و از راه‌های دور، مسلمان‌ها جمع می‌شوند در کنار هم و چه فرصت بزرگی که با هم حرف بزنند، با هم همدلی کنند، دردهای یکدیگر را بشنوند، اظهار همدردی با یکدیگر بکنند؛ این دیگر کجا پیش می‌آید جز در حج؟» (بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج، ۱۳۹۴/۵/۳۱)

به باور معظم‌له، «جمع شدن افرادی از همه ملت‌ها در یک نقطه، آن هم یک نقطه مقدّس، فقط می‌تواند یک فایده و یک معنا داشته باشد. آن فایده و معنا این است که دور هم جمع شوند تا درباره سرنوشت امت اسلامی تصمیم‌گیری کنند و در این مجمع، به حیث امت، یک قدم خوب برداشته شود و کاری سازنده و مثبت صورت گیرد.» (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۷۳/۰۱/۳۱)

۵. مساله فلسطین

در اندیشه رهبری، به همان میزان که وجود غده سرطانی رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه غرب آسیا یک تهدید واقعی برای امت اسلام به شمار می‌رود، دفاع از موجودیت سرزمین فلسطین و مظلومیت ساکنان آن، یکی از محورهای اتحاد مسلمین محسوب می‌شود. لذا ایشان ضمن پافشاری بر حفظ تمامیت ارضی فلسطین از بحر تا نهر و پیشنهاد انتخابات فراگیر با شرکت تمام فلسطینیان به عنوان راهکار قطعی حل این مناقشه مزمن، فلسطین را اصلی‌ترین مسئله جهان اسلام و محور وحدت همه مسلمانان و آزادگان جهان برشمرده و تاکید کرده‌اند:

«با وجود اختلافاتی که کشورهای اسلامی با یکدیگر دارند که برخی از آنها طبیعی و برخی دیگر توطئه دشمن و برخی دیگر ناشی از غفلت است، لیکن همچنان عنوان فلسطین می‌تواند و باید، محور وحدت همه‌ی آنان باشد. «مقاومت» و «فلسطین»، ارزشمندتر و

والا تر از آن است که در اختلافات میان کشورهای اسلامی و عربی و یا اختلافات داخلی کشورها و یا اختلافات قومی و مذهبی درگیر شود.» (بیانات در ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۵/۱۲/۳)

۶. ایران اسلامی

نظام جمهوری اسلامی ایران از بدو تاسیس، منادی وحدت و پیشرو در زمینه ایجاد اتحاد میان مسلمانان بوده و با اقداماتی چون بکار بستن استراتژی صدور و نشر انقلاب، به چالش کشیدن نظام سلطه در خاورمیانه، ارتقای جایگاه شیعه از حاشیه به متن، و اثبات مردود بودن نظریه جدایی دین از سیاست، سعی در الگوسازی و ظرفیت‌سازی تحقق وحدت نموده است. (قوی و امیرلو، ۱۳۹۴: ۱۷۶)

رهبر معظم انقلاب نیز با شناخت درست از نقش غیرقابل انکار انقلاب اسلامی ایران در دستاورد وحدت، مسیر آینده نظام جمهوری اسلامی را نیز در این راستا تبیین کرده‌اند: «منادی وحدت، جمهوری اسلامی بود؛ همه قدرت‌های استکباری ریختند سر جمهوری اسلامی! ... چرا؟ چون منادی وحدت بود و آنها با وحدت دشمن‌اند. وحدت مسلمین، به ضرر آنهاست؛ لذا سعی می‌کنند وحدت را بشکنند...» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام و میهمانان کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۷۲/۰۶/۱۴)

«اتحاد مسلمین به معنای انصراف مسلمین و فرقی گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که این دو معنا باید تأمین بشود:

اول اینکه در مقابله با دشمنان اسلام همدست و هم‌آواز و همدل باشند، فرقی گوناگون اسلامی حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام همکاری و همفکری کنند؛ معنای دوم این است که فرقی گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند، تفاهم ایجاد کنند، مذاهب فقهی را با هم مقایسه کنند و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک بشود. لذا ما جداً علاقه مند هستیم که «دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه» را ایجاد کنیم؛ ما میلیم این کار انجام بگیرد. البته در گذشته این کار شروع شده

و تلاش‌های مخلصانه‌ای هم داشته، اما اکنون مدّت‌های مدیدی است که ما حرکت حقیقی‌ای مشاهده نمی‌کنیم و احساس می‌کنیم این کار باید انجام بگیرد و مردم مخلصی و مؤمنی و شخصیت‌های عالمی از همه‌ی دنیای اسلام همکاری کنند و ما آماده هستیم و مایل هستیم که میزبان این مجموعه باشیم. علما، فقها، متکلمین و فلاسفه اسلامی باید کوشش کنند و بنشینند آراء را با یکدیگر تطبیق کنند، در مجموعه‌هایی آنها را جمع کنند، نظرات فرّاق مختلف اسلامی در مجموعه‌ای واحد و با نگاه مساعد به یکدیگر، در اختیار همه مسلمین قرار بگیرد. این از جمله کارهای بسیار لازم و ضروری است و امیدواریم که همّت صاحب همّتان، این کار را به انجام برساند.» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم،

(۱۳۶۸/۰۷/۲۴)

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، معلوم می‌شود رهبری فرزانه انقلاب در راستای تبیین اهداف کلان انقلاب و آرمان تمدن اسلامی، از تبیین استراتژی‌های خرد ذیل آن غافل نبوده‌اند. یکی از این استراتژی‌ها، استراتژی وحدت اسلامی است که ارکان اصلی آن در مواضع و بیانات ایشان متبلور شده است. از منظر ایشان، جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه معتقد به لزوم اتحاد امت اسلامی است و به چشم یک حرکت سیاسی و تاکتیکی به آن نمی‌نگرد؛ بلکه بر پایه اعتقاد و ایمان عمیق قلبی، وحدت و تقریب مذاهب اسلامی را به عنوان یکی از اهداف میانی خویش جهت دستیابی به آرمان بلند تمدن نوین اسلامی تعریف کرده است. همچنین در این مقاله نشان داده شد که وحدت یک شعار فاقد پشتوانه علمی نیست؛ بلکه می‌توان با بهره‌گیری از دانش مدیریت استراتژیک، ضمن داشتن تعریفی صحیح و واقع‌بینانه از وحدت، چشم‌انداز روشنی از آن ترسیم و ضمن در نظر گرفتن تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی امت اسلامی، اولویت‌های راهبردی دستیابی به آن را مشخص نمود؛ چنانکه مقام معظم رهبری در طول سالیان متمادی و در موضوعیت‌های گوناگون چنین کرده‌اند.

فهرست منابع

کتاب‌ها:

قرآن کریم

نهج البلاغه، ترجمه انصاریان.

۱. ابو زهره، محمد، بی‌تا، تاریخ المذاهب الاسلامیه، قاهره، دار الفکر الاسلامی.
۲. اسدآبادی، سیدجمال الدین، ۱۴۲۲ق، العروة الوثقی، سیدهادی خسروشاهی، قاهره.
۳. بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، فرهنگ اصطلاحات روابط بین الملل، تهران، انتشارات سفیر.
۴. باقریان، محمد، ۱۳۷۹، مفاهیم و چارچوب مدیریت راهبردی با نگرش بومی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۲، حیات حقیقی انسان در قرآن، قم، مرکز نشر اسرا.
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۲، شمیم ولایت، قم، مرکز نشر اسرا.
۷. حسینی طباطبایی، مصطفی، ۱۳۵۷، شیخ محمد عبده مصلح بزرگ مصر، تهران: انتشارات قلم.
۸. داوری، دردانه، ساززاده، محمدحسن، ۱۳۸۸، مدیریت استراتژیک از تئوری تا عمل، تهران، نشر آتنا.
۹. دورانت، ویل، ۱۳۷۸، تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. دیوید، فرد، ۱۳۸۹، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان، سیدمحمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی اشکوری، ج ۳، تهران، نشر مرتضوی.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۵. لوبون، گوستاو، ۱۳۱۸، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سیدمحمدتقی فخر گیلانی، تهران، چاپخانه علمی.
۱۶. متقی هندی، علی، ۱۴۱۳ق، کنز العمال، ج ۱، بیروت، موسسه الرسالۀ.
۱۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۳، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا.
۱۹. موثقی، سید احمد، ۱۳۷۰، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

مقالات:

۱. اسماعیل‌نیا، محمود، ۱۳۷۶، «اصلاح جامعه در اندیشه سید جمال»، مجله قبسات، شماره ۵ و ۶.
۲. حسینی، میرزا حسن، سالاری، حسین، ۱۳۹۰، «تدوین استراتژی در اسلام از منظر نهج البلاغه»، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۳۲.
۳. رستمی نجف‌آبادی، حامد، بهرامیان، مسعود، ۱۳۹۷، «نقش مدارای مذهبی در تاسیس تمدن اسلامی ۳۶۲-۳۳۴ هجری»، فصلنامه حبل‌المتین، دوره هفتم، شماره ۲۵.
۴. شهرام‌نیا، امیرمسعود، نظیفی، نازنین، ۱۳۹۲، «تعامل و تقابل ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره دوم، شماره ۵.
۵. فیضی سخا، مهدی، ۱۳۹۷، «مفهوم‌شناسی و تهدیدات ناسیونالیسم از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷.
۶. قاسمی آرانی، ابودر، خرم‌آبادی آرانی، زینب، ۱۳۹۳، «بازخوانی مفهوم وحدت اسلامی در نهج البلاغه»، فصلنامه حبل‌المتین، شماره ۷.
۷. قوی، نیره، امیرلو، محمدعلی، ۱۳۹۴، «بازشناسی ویژگی‌ها و نقش جمهوری اسلامی

ایران در راهبرد کلان وحدت و همگرایی امت مسلمان»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۱.

۸. مک گراون، دیوید، ۱۳۸۴، «ظهور و سقوط ناسیونالیسم»، ترجمه محی‌الدین شریف زاده، فصلنامه زیربار، شماره ۵۷.

۹. هیئت، جواد، ۱۳۸۱، «ناسیونالیسم و باستان گرایی در ایران»، مجله وارلیق، شماره ۱۲۶.

منابع لاتین:

1. Chandler, A.D. "Strategy and Structure, The MIT press, Cambridge," 1962.
2. Christensen, Learned, "Anderws and Guth. Business policy: Text and cases
Ridard D.Irwin Inc. Hamewood III, 1989.
3. Mintzberg, Henry. Bruce Anstrand & Joseph Lampel, Strategy safari: A
Guided Through The wilds of Strategic management, frentice- Hall, 1998.

سایت‌ها:

<https://farsi.khamenei.ir/>